



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال سوم / شماره یازدهم / پاییز ۱۳۹۳

شناسائی و بررسی دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران

صادق نکوئی

کارشناس ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آیت الله آملی، (مسئول مکاتبات)
acc_nekooyi@ymail.com

مهدی صالحی

عضو هیأت علمی و استادیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

یحیی کامیابی

عضو هیأت علمی و استادیار گروه حسابداری دانشگاه مازندران بابلسر

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۵

چکیده

در این مقاله سعی شده است دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران شناسائی و مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی و از نظر نوع همبستگی می‌باشد و استفاده از پرسشنامه، داده‌های مورد نیاز را در اختیار محققین قرار داده است. فرضیات این تحقیق با استفاده از آزمون t استیودنت و با بهره‌گیری از داده‌های استخراج شده از تعداد ۱۲۸ پرسشنامه واصله از جامعه‌ی آماری متشکل از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت مالی و حسابداری، مؤسسات حسابداری مستقل و مؤسسات دولتی مورد آزمون قرار گرفته است. تحلیل نتایج تحقیق نشاندهنده‌ی آن است که دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران عبارتند از: عدم وجود استاندارد حسابداری تورمی، گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سایر قوانین مرتبط، عدم وجود الزام و اجبار توسط ارگانهای مسئول در خصوص تهیه‌ی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی در بردارنده تأثیرات تورم، ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب حسابداری تورمی، عدم باور مدیران از منافع اجرای حسابداری تورمی، افزایش مالیات پرداختنی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها و ناهماهنگی و ناکافی بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها.

واژه‌های کلیدی: حسابداری تورمی، صورتهای مالی، شاخص قیمت، تجدید ارزیابی دارایی‌ها، تغییر قیمت، گزارشگری مالی.

۱- مقدمه

در دنیای امروز، اطلاعات نقش ارزنده‌ای را پیشبرد اهداف توسعه‌ای جوامع ایفا می‌کنند. این اطلاعات در مسائل خرد و کلان مبنای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه می‌باشند. بدین منظور باید اطلاعاتی تهیه شوند که قابل اعتماد و مفید باشند تا بتوان بدینوسیله دستیابی به اهداف مزبور را تضمین نمود. در حرفه‌ی حسابداری، اطلاعات مالی صحیح و معتبر منجر به اتخاذ تصمیمات مفید اقتصادی می‌گردد. این اطلاعات و یا به عبارتی نتایج کار حسابداران بر خلاف آنچه جوامع حرفه‌ای غربی عنوان می‌کنند، صرفاً برای سرمایه‌گذاران و بستانکاران و احیاناً کارکنان تهیه نمی‌شود. بنگاه اقتصادی در کل جامعه مانند یک انسان عمل می‌کند؛ اگر بتوان گفت که از نتایج اطلاعات پزشکی یک پزشک، فقط خانواده و اطرافیان او استفاده می‌کنند، در این صورت استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری فقط سرمایه‌گذاران و بستانکاران و کارکنان بنگاه اقتصادی هستند. اما همانگونه که اصل فایده یک انسان متفکر و دانشمند متوجه کل جامعه می‌باشد، اطلاعات حسابداری بنگاه‌های اقتصادی نیز علاوه بر یک گروه خاص باید از طریق دولت مورد استفاده کل جامعه باشد (سلامی، ۱۳۷۴).

هدف اساسی اطلاعات مالی کاربرد اقتصادی آن است، این اطلاعات که از طریق ابزاری همچون صورتهای مالی و... در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد، باید به گونه‌ای باشد که استفاده‌کنندگان از این صورتهای قادر باشند با مطالعه‌ی آن از نظر اقتصادی تصمیم‌گیری کنند. و یا اطلاعات حاصله از این گزارشات مالی را در اطلاعات دیگری که به نوبه‌ی خود مبنای تصمیمات اقتصادی قرار می‌گیرد، مورد استفاده قرار دهند.

در حال حاضر در کشورهای توسعه یافته، صورتهای مالی و اطلاعات منتشر شده توسط مؤسسات اقتصادی به عنوان مهمترین منبع اطلاعاتی برای نشان دادن وضعیت مالی نتایج عملکرد مدیران در این مؤسسات می‌باشد. به همین دلیل حساسیت نسبت به تهیه‌ی اطلاعات وجود دارد. لذا استانداردهای حسابداری و یا اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری به عنوان مبنای تهیه‌ی این اطلاعات باید از ویژگیهای خاصی برخوردار باشند که منجر به تهیه‌ی اطلاعات معتبر و مربوط گردند. یکی از مفروضات بدیهی تهیه‌ی صورتهای مالی، فرض ثبات واحد پولی به عنوان معیار اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی است. در حالی که در شرایط اقتصادی که تورم وجود دارد، این فرض به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در صورتیکه در تهیه‌ی صورتهای مالی قدرت خرید پول ثابت فرض شود، اطلاعات تهیه شده با واقعیت همخوانی ندارد (ستایش، ۱۳۸۰).

نتایج پژوهشهای انجام شده توسط محققان مختلف (سوئینی، ۱۹۷۳؛ دستگیر و امیدعلی، ۱۳۸۳؛ کونچیتکی، ۲۰۱۱؛ پاپاس، ۲۰۱۲؛ کاراپینار، ۲۰۱۲؛ ایلتر، ۲۰۱۲؛ شمس‌الدینی و یاورزاده، ۲۰۱۲؛ خرمدل

و همکاران، ۲۰۱۳)، حاکی از آن است که در چنین شرایطی، اطلاعات مالی تهیه شده توسط حسابداران به روشهای سنتی و بدون اعمال آثار تورم، نامربوط است. به گونه‌ای که ارزیابی و برنامه‌ریزی بوسیله‌ی این اطلاعات ناممکن شده و می‌تواند موجب گمراهی استفاده‌کنندگان شود. امروز، تورم پدیده‌ای است که در محیط‌های مالی و اقتصادی از صحت و قابلیت اعتماد اطلاعات کاسته و متفکران اقتصادی و حسابداری را به فکر یافتن چاره‌ای انداخته است. به طوریکه حسابداران در برخی از کشورهای پیشرفته با تدوین استانداردها و ارائه‌ی راه‌حلهائی در این زمینه تا حدی باعث کاهش مشکلات ناشی از آن شده‌اند. در ایران با وجود نرخ بالای تورم و اعتقاد اکثر صاحب‌نظران و کارشناسان مبنی بر بی‌فایده‌گی اطلاعات مالی، متأسفانه تا کنون در این زمینه پژوهش جامعی صورت نپذیرفته است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

اطلاعات مالی شفاف و قابل اعتماد اساس و مبنای تصمیم‌گیری را برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌آورد. مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان به اطلاعاتی قابل مقایسه، مربوط و قابل فهم جهت تصمیم‌گیری آگاهانه و صحیح نیاز دارند. اگرچه اطلاعات مالی از منابع مختلف قابل استخراج است، اما در حال حاضر صورتهای مالی هسته‌ی اصلی منابع اطلاعات مالی را تشکیل می‌دهند. در نتیجه باید از کیفیت مطلوبی برخوردار باشند. صورتهای مالی زمانی از کیفیت مطلوب برخوردار خواهند بود که بر اساس ضوابط معتبر یعنی استانداردهای حسابداری تهیه شده باشند. افزایش نرخ تورم و به دنبال آن تغییر مداوم قیمت‌ها و کاهش قدرت پول در جوامع مختلف، باعث شده تا اطلاعات مندرج در صورتهای مالی از واقعتهای اقتصادی به شدت فاصله بگیرند. در چنین شرایطی تدوین استانداردهای مناسب به عنوان مبنائی جهت تهیه‌ی گزارشهای مالی در بردارنده‌ی آثار تورم ضروری است. سیر تکاملی استانداردهای حسابداری تورمی در کشورهایی مانند آمریکا و انگلستان از اواخر سال ۱۹۷۰ تا اوایل سال ۱۹۸۰ و همزمان با افزایش شدید نرخ تورم، حاکی از اهمیت موضوع است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر شاهد افزایش شدید نرخ تورم بوده است. بنابراین تدوین استاندارد حسابداری تورمی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. رؤیایی (۱۳۷۲) در سومین سمینار حسابداری ایران و در مقاله‌ای تحت عنوان "حسابداری تورمی و توسعه‌ی حسابداری در ایران" در این باره می‌نویسد: کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی و سایر تشکیلات حرفه‌ای باید به اشاعه و ترویج این پدیده‌ی حسابداری بپردازند. در صورت ایجاد استانداردهای لازم، دستگاههای ذیربط دولتی مثل وزارت امور اقتصادی و دارایی به جوانب و ابعاد مسأله آشنا تر شده و

احتمالاً به تدوین مقررات و قوانین لازم برای اجرای این روش حسابداری خواهند پرداخت. در صورتی که چنین استقبالی از جانب وزارت امور اقتصادی و دارایی به عمل آید، بحث درباره‌ی حسابداری تورمی و جوانب آن آغاز می‌شود و جریان از حالت انزوای کنونی بیرون خواهد آمد.

همچنین دستگیر و امیدعلی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای و در نتیجه‌ی تحقیقات خود ضمن بررسی موانع اجرای حسابداری تورمی در ایران، اولین و مهمترین گام در اجرای حسابداری تورمی را ارائه‌ی یک استاندارد در این زمینه توسط سازمان حسابرسی دانستند. به عقیده‌ی بسیاری از محققان و همانگونه که از تجربیات کشورهای که در این زمینه موفق ظاهر شده‌اند پیداست، تدوین استاندارد حسابداری تورمی می‌تواند گامی مهم و مؤثر در اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران باشد. موارد مختصری که در بالا اشاره شد، از دیرباز علاقه‌مندی به انجام یک تجربه یا پژوهش را فراهم آورده است. بدیهی است که این مهم میسر نخواهد شد مگر با مطالعه، پیگیری و بررسیهای مستمر. دیلمی‌پور (۱۳۹۰) در این باره می‌نویسد، مشکل اساسی در زمینه‌ی اجرا نشدن حسابداری تورمی در ایران به نبودن استاندارد مناسبی در این زمینه مربوط می‌شود و مشکل استاندارد نویسی در زمینه‌ی حسابداری تورمی نیز به نهاد قانونی استاندارد نویسی برای حسابداری و حسابرسی یعنی سازمان حسابرسی مربوط است که به موجب قانون متولی تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی در ایران می‌باشد، اما تاکنون از جانب این نهاد اقدامی در این مورد صورت نپذیرفته است. در این تحقیق موارد فوق با استفاده از یک فرضیه، بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این فرضیه به شرح زیر می‌باشد: عدم وجود قوانین و مقررات مصوب در قالب استاندارد با عنوان حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

تجدید ارزیابی دارایی‌ها روشی است برای ارزشیابی و گزارشگری دارایی‌های ثابت در شرایط تورمی. هدف اصلی تجدید ارزیابی، انعکاس ارزشهای جاری در صورتهای مالی به منظور ارائه‌ی اطلاعات مربوط برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. در نتیجه به منظور ایجاد مبنائی قابل اتکا (در شرایط تورمی) جهت تصمیم‌گیری‌های صحیح و آگاهانه، تجدید ارزیابی دارایی‌ها امری ضروری است. در ایران وجود موانعی منجر به عدم تجدید ارزیابی دارایی‌ها و گریز واحدهای تجاری از این فرایند شده است. از مهمترین این موانع می‌توان به قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به فرایند مزبور اشاره کرد. رحمانی و حمیدی (۱۳۸۵) در تحقیقی در این باره اینگونه می‌نویسند که، یکی از اهداف تجدید ارزیابی دارایی‌ها، حفظ سرمایه از طریق تعدیل هزینه استهلاک بر مبنای ارزشهای جاری است. به منظور حفظ سرمایه فیزیکی شرکت‌ها، تا زمانی که نرخ تورم بالاست و مقررات مالیاتی مانع تجدید ارزیابی می‌شود، حسابداران باید مدیران و صاحبان سهام را مجاب کنند که بخشی از سود به عنوان اندوخته سرمایه منظور شود. واقعیت این است که گروهی از اقتصاددانان معتقدند به دلیل خطای بالای سود حسابداری

ناشی از استفاده از مدل بهای تمام شده تاریخی، سرمایه‌بنگاههای اقتصادی به عنوان سود صرف پرداخت مالیات و توزیع سود سهام می‌شود و پیامد آن مشکلات نقدینگی و عدم توان کافی برای نوسازی و بهسازی صنایع است. با فراهم شدن زمینه اجرای مدل تجدید ارزیابی، علاوه بر افزایش شفافیت اطلاعات، خطای سود حسابداری نیز کاهش خواهد یافت.

یکی از شیوه‌های محاسبه‌ی مالیات بر درآمد شرکت‌ها از دید متصدیان امور مالیاتی در برخی کشورها، استفاده از مبنای نقدی است. بر اساس این روش، سود مشمول مالیات از طریق تفاضل دریافتها و پرداختهای وقایع انجام شده طی سال بدست می‌آید. این نگرش با دیدگاه حسابداری که سود یا زیان خالص را مبنای محاسبه مالیات قرار می‌دهد متفاوت است، اما بر اساس بیانیه‌ی استاندارد حسابداری مالی تفاوت بین این دو دیدگاه را می‌توان تحت عنوان مالیات معوق به دوره‌های آتی تخصیص داد. این شیوه دارای مزایای زیادی است. از جمله اینکه شرکتها برای گزارش صورتهای مالی خود با محدودیت قوانین مالیاتی مواجه نمی‌شوند. و در اجرای استانداردهای حسابداری که باعث افشاء سودهای غیر نقدی می‌گردد رغبت بیشتری از خود نشان می‌دهند (طلوعی، ۱۳۸۲).

فرضیه‌ی دوم این تحقیق بیان می‌کند که گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. با توجه به اهمیت اقلام غیر پولی و نحوه‌ی برخورد با این اقلام در اجرای روشهای حسابداری تورمی، در پژوهش حاضر کوشش شده تا موانع موجود در تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری (قوانین و مقررات مالیاتی جاری)، بررسی و راهکاری به منظور مقابله با این مشکل ارائه شود.

اولین بیانیه در زمینه‌ی به کارگیری تغییرات قیمت در حسابداری در سال ۱۹۶۹ در آمریکا منتشر شد. در آن سال هیأت اصول حسابداری (APB) در بیانیه شماره‌ی ۳ خود، شرکت‌ها را ملزم نکرده، بلکه بدینوسیله مجوز تجدید ارائه‌ی صورتهای مالی بر اساس سطح عمومی قیمت‌ها را صادر کرد. پس از آن در سال ۱۹۷۹ استاندارد شماره ۳۳ تحت عنوان گزارشگری مالی و تغییر قیمت‌ها انتشار یافت. این استاندارد در گزارشگری آثار تغییر قیمت‌ها استفاده از دو روش حسابداری بر اساس دلار ثابت و حسابداری بر اساس ارزشهای جاری را تجویز کرده و ارائه‌ی اطلاعات مربوط به آثار تغییر قیمت‌ها و تغییر در قدرت خرید عمومی را از طریق ارائه‌ی صورتهای مالی تکمیلی همراه با صورتهای مالی الزامی می‌سازد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد، در کشور ما یکی از دلایل عدم وجود الزام و اجبار به منظور تهیه‌ی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی، عدم وجود استاندارد و یا مبنائی برای تهیه‌ی این گزارشات است. در ایالات متحده آمریکا در غیاب تدوین استاندارد برای تهیه‌ی صورتهای مالی تورمی از سوی هیأت استانداردهای حسابداری مالی و در شرایطی که نرخ تورم دورقمی شده بود، بورس اوراق بهادار به منظور حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه، با صدور بیانیه‌ای تهیه‌ی صورتهای مالی تکمیلی بر

اساس شاخص قیمت‌ها را برای ۱۰۰۰ شرکت بزرگ الزامی کرد. دیلمی‌پور (۱۳۹۰) در این باره می‌نویسد، در ایالات متحده آمریکا به موجب قانون کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) اختیار قانونی برای برقراری استانداردهای مالی و گزارشگری برای شرکت‌های سهامی عام را دارد. در کشور ما نیز سازمان بورس اوراق بهادار در غیاب استاندارد حسابداری تورمی و تا زمان تدوین آن از سوی سازمان حسابرسی، می‌تواند تهیه‌ی صورتهای مالی تورمی را به عنوان صورتهای مالی تکمیلی در مورد شرکت‌هایی که سهام آنها در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند یا هر معیار دیگری که سازمان بورس صلاح می‌داند، الزامی کند. با استفاده از فرضیه سوم به بررسی تأثیر عدم وجود الزام و اجبار توسط ارگانهای مسئول در تهیه‌ی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی در بردارنده‌ی آثار تورم، بر اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران خواهیم پرداخت.

مدیریت عبارتست از فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت بر کار اعضای سازمان و کاربرد کلیدی منابع قابل دسترس برای رسیدن به اهداف تعیین شده‌ی سازمان. به طور کلی مهارتهای مورد نیاز مدیران را می‌توان در سه بخش مهارتهای ادراکی، انسانی و فنی طبقه‌بندی کرد. در این میان مهارتهای فنی یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه‌ی آن توانایی و ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه می‌باشد (اصغری، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر فرضیه چهارم به ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب حسابداری تغییر قیمت‌ها اشاره دارد؛ که منظور ضعف در مهارتهای فنی مدیران در خصوص مبحث جاری است. همانگونه که از تعریف فوق پیداست، توانایی در کاربرد فنون و ابزار ویژه لازمه‌ی اجرای صحیح امور توسط مدیران است. مهارتهای فنی از طریق تحصیل، کارورزی و تجربه حاصل می‌شوند. مدیران معمولاً این مهارتها را طی دوره‌های آموزشی یا کارآموزی فرا می‌گیرند. علیرغم اهمیت حسابداری تورمی در ایران، این مبحث از جمله مباحثی است که در محافل آموزشی از نظر دور مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. که این امر خود یکی از دلایل بیگانگی مدیران با این روش حسابداری است. نتایج تحقیقات انجام شده توسط محققان که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، بهترین گواه برای این موضوع است.

رؤیایی (۱۳۷۲) معتقد است، مفهوم حسابداری تورمی و آثار آن در ایران از نظر اجرایی و از دید مسائل نظری ناشناخته و دور مانده است و در حسابداری در مرکز توجه کافی برای اجرا و بررسی محققان نبوده است.

اطلاعاتی که امروزه در گزارشات مالی افشاء می‌شود، شامل عملکرد گذشته و جاری است. استفاده‌کنندگان، چنین اطلاعات تاریخی را تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌کنند تا بتوانند عملکرد و وضعیت مالی آینده‌ی شرکت را پیش‌بینی کنند. ارزیابی سودمندی یک روش حسابداری شامل یک ارزیابی مقدماتی و تشخیص موضوعات عمیقتری مانند انتخاب بین اساس ارزشیابی است. به عنوان

مثال، می‌توان روشهای مختلف حسابداری را مورد ارزیابی دقیق قرار داد و به منظور دستیابی به هدف اطلاعاتی، روش مورد نظر را گزینش کرد. سؤال اساسی آن است که، چگونه می‌توان بین گزینه‌ها و روشهای مختلف جهت دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، روش و یا گزینه‌ی مناسب را انتخاب کرد؟ لازمه‌ی انتخاب گزینه‌ی مناسب، شناخت کامل نسبت به روشهای مختلف است، که شامل ارزیابی منافع و معایب، مقایسه‌ی روشهای موجود با یکدیگر و همچنین توانائی امکان‌سنجی اجرا و ارزیابی روشهای مطروحه می‌باشد. در این صورت است که مدیران می‌توانند روشی که بیشترین منافع اطلاعاتی را به همراه دارد، بکار گیرند.

فرضیه چهارم بیان می‌کند که ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است، که با استفاده از این فرضیه موارد فوق بررسی خواهد شد.

بطوریکه اشاره شد، با وجود عمر طولانی حسابداری تغییرات قیمت‌ها در عرصه‌ی جهانی، این مفهوم در ایران از نظر اجرایی و از دید مسائل نظری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود نرخ تورم بالا در ایران و اعتقادی که اکثریت استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، تصمیم‌گیران اقتصادی، و بویژه مدیران به بیفایده‌ی نسبی ارقام حسابداری در مقایسه با قیمت‌های روز دارند، و نیز با وجود تشکیلات حرفه‌ای حسابداری بیش از پنجاه ساله و منزلت یافتن آن به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، به موضوع آثار تورم در حسابداری، توجه کافی برای اجرا و بررسی محققانه نشان داده نشده است. از سوی دیگر دستگاهها و ارگانهای ذیربط دولتی و سازمان بورس اوراق بهادار تا سال ۱۳۷۱ لزوم وارد شدن در این حیطه از حسابداری را احساس نکرده و نتایج حاصل از آن را در سطح کلان بررسی نکرده‌اند (رؤیایی، ۱۳۷۲).

دستگیر و امیدعلی (۱۳۸۳) در تحقیقی یکی از موانع اجرای حسابداری تورمی در ایران را عدم آشنایی مسئولین حسابداری با مفاهیم حسابداری تورمی می‌دانند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، مدیران در حال حاضر شناخت لازم نسبت به حسابداری تورمی را ندارند و همین امر باعث بی‌اعتمادی آنها به حسابداری تورمی شده است. از جنبه‌ی تئوریک متأسفانه در کشور ما به حسابداری تورمی، بهای لازم داده نشده است. چراکه از بعد آموزشی جایگاه این روش در سرفصل دروس دانشگاهی رشته-ی حسابداری مبهم است.

همچنین از سایر تحقیقات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت، بی‌توجهی به مبحث حسابداری تورمی و نادیده گرفتن اهمیت تأثیرات تغییرات قیمت‌ها بر گزارشگری مالی، منجر به بیگانه ماندن مدیران نسبت به مبحث ذکر شده و به تبع آن ناتوانی در تشخیص منافع و معایب حسابداری تورمی و در نهایت باعث عدم باور آنان از منافع اجرای این روش حسابداری شده است. در پژوهش حاضر با استفاده

از فرضیه پنجم مراتب فوق بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تصمیم‌گیری صحیح نیازمند اطلاعاتی است که بیانگر واقعیت و منطق بر وضع موجود باشد. کاهش قدرت خرید پول کشورها در طول زمان و تغییرات عمده در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات، موجب می‌شود که اطلاعات مبتنی بر بهای تمام شده‌ی تاریخی دارایی‌های ثابت گزارش شده در صورتهای مالی، از ارزشهای جاری به عنوان بیان‌کننده‌ی واقعیت‌های اقتصادی، به شدت فاصله گیرد. برای حل این مسأله انجمنهای حرفه‌ای حسابداری در بسیاری از کشورها مانند آمریکا، کانادا و انگلستان، راه‌کارهایی را برای بهبود گزارشهای مالی ارائه کرده‌اند. در ایران نیز بر اساس استاندارد شماره‌ی ۱۱ با عنوان حسابداری دارایی‌های ثابت مشهود، تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت به عنوان یک روش مجاز پذیرفته شده است (رحمانی و حمیدی، ۱۳۸۵). صرف‌نظر از مزایای تجدید ارزیابی دارایی‌ها، این فرایند در ایران دارای محدودیتهایی است که گاهاً منجر به عدم تمایل مؤسسات تجاری به اجرای آن شده است. از جمله‌ی این محدودیتهای می‌توان به افزایش مالیات پرداختنی در نتیجه‌ی تجدید ارزیابی دارایی‌ها اشاره کرد. سلامی (۱۳۷۳) در سمینار حسابداری و گزارشگری مالی در شرایط تورمی با عنوان "تورم، صورتهای مالی را بی‌اعتبار کرده است، راه حل چیست؟" در این خصوص راه حلی ارائه داد که بدین شرح است: در شرایط تورمی ایران، تنها راه بهبود کیفیت صورتهای مالی استفاده از روش تجدید ارزیابی دارایی‌های غیر پولی به صورت دوره‌ای است. البته این طریق باید در چارچوب استاندارد ملی و با هماهنگی با مراجع ذیربط از جمله وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس اوراق بهادار و احتمالاً تجدید نظر موردی در قانون مالیاتهای مستقیم اعمال شود؛ در غیر اینصورت این طریقه هم ممکن است مشکل را افزون‌تر کند. همچنین دستگیر و امیدعلی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای و در نتیجه‌ی تحقیقات خود بیان نمودند که یکی از موانع اجرای حسابداری تورمی در ایران افزایش بدهی مالیاتی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در شرایط تورمی می‌باشد. نمازیان و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکتها بر افشای دارایی‌ها و مالیات بر درآمد آنها" در این باره می‌نویسند، در سالهای اخیر با توجه به کاهش مالیات اخذ شده در نتیجه‌ی تجدید ارزیابی دارایی‌ها برای شرکتهای دولتی، قوانین مالیاتی باید وضع گردد تا شرکتهای خصوصی نیز تشویق به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود در جهت افشای بهتر اطلاعات صورتهای مالی گردند. تا کنون و با توجه به قوانین و مقررات جاری، تعداد شرکتهایی که عمل تجدید ارزیابی دارایی‌ها را انجام داده‌اند کم بوده و محدود به شرکتهای دولتی است. از اینرو شرکتهای دولتی بدون نگرانی از عواقب مالیاتی تجدید ارزیابی، به انجام آن مبادرت کرده‌اند. شاید عواملی از قبیل مالیات ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها سبب عدم استقبال شرکتهای خصوصی از انجام تجدید ارزیابی دارایی‌ها باشد.

بررسی پیشینه‌ی این موضوع در کشور ما، اهمیت تجدید نظر در قوانین و مقررات مالیاتی جاری را بیشتر نمایان می‌سازد. فرضیه ششم بیان می‌کند که، افزایش مالیات پرداختنی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. با استفاده از این فرضیه مراتب فوق هرچه بیشتر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

همانگونه که پیشتر هم اشاره شد، در صورت وجود تورم اطلاعات مالی تهیه شده توسط حسابداران به روشهای سنتی و بدون اعمال آثار تورم، نامربوط است و می‌تواند موجب گمراهی استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی شود. بدیهی است که بحث تورم و آثار تغییر قیمت‌ها و چگونگی انعکاس تأثیرات آن بر روی ارقام و عناصر صورتهای مالی توسط ابزاری مناسب به نحوی که استفاده‌کنندگان را در جهت اخذ تصمیمات صحیح مالی و اقتصادی یاری دهد، از اهمیت بالایی برخوردار است. انعکاس آثار تغییرات فوق‌الذکر بر روی گزارشهای مطروحه با ابزاری مانند شاخص‌های قیمت امکان‌پذیر است. اما از آنجا که شاخص‌های قیمت متنوع بوده و اتفاق نظر در خصوص استفاده از این شاخص‌ها جهت تعدیل ارقام صورتهای مالی وجود ندارد، می‌توان گفت یکی از اشکالات موجود در زمینه‌ی انعکاس آثار تورم در گزارشهای مالی همین عدم هماهنگی در انتخاب بهترین و مناسبترین شاخص برای محاسبه‌ی تغییرات قیمت است.

یکی از گفته‌های رایج درباره‌ی شاخص قیمت‌ها این است که شاخص کامل وجود ندارد، از جمله به این دلیل که اطلاعات اساسی برای تهیه‌ی شاخص باید به طریق نمونه‌گیری از جامعه‌های آماری بسیار وسیع و ناهمگون، آنهم تحت فشار محدودیتهای مالی، پرسنلی و زمانی، جمع‌آوری شود. در جمع‌آوری ارقام برای شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی، باید نمونه‌هایی از شهرهای کشور، خانوارها، اقلام مهم و مؤثر، مکانهای فروش، روزهای مناسب برای رفتن به مکانهای فروش و جمع‌آوری داده‌ها با انتخاب قیمت‌های مناسب با توجه به تغییر قیمت‌های همان کالاها و خدمات در زمانها و مکانهای مختلف، فراهم آورد؛ و در همه‌ی این کارها ملاکهای گزینش مسئله‌ی مهم و پیچیده‌ای است. چنین است که قابلیت اعتماد شاخصها طبیعتاً محدود و مطابقت آنها با واقعیتهای پیچیده و ناشناخته‌ی اقتصادی و اجتماعی منوطاً در معرض تردید است، بخصوص در جوامعی که سازو برگ و انگیزه‌ی کافی برای آشکار ساختن این واقعیتهای را ندارند. بهترین شاخصهای قیمت، به اذعان دست‌اندرکاران، میانگینهای تقریبی‌ی بیش نیستند. بنابراین، و به دلایل دیگر، در استفاده از شاخصهای اعلام شده احتیاط و شمه مخصوص و روح پژوهندگی لازم است (تیموری، ۱۳۷۳).

دستگیر و امیدعلی (۱۳۸۳) در نتیجه‌ی تحقیقات خود بیان نمودند که مدیران شاخصهای اعلام شده را صرفاً اعداد و ارقامی صوری می‌دانند که نمی‌تواند بیانگر واقعیات اقتصادی باشد. استفاده از شاخصهای عمومی قیمت‌ها که در ایران ارائه می‌شود، تنها می‌تواند برای تعدیل حسابها جهت قدرت

خرید جاری پول استفاده شود، در حالی که استانداردهای آمریکا و انگلستان تأکید بر استفاده از ارزشهای جایگزینی دارایی‌ها برای تعدیل حسابها دارند. متأسفانه ارزشهای جایگزینی دارایی‌ها برای آن دسته از ماشین‌آلات و تأسیسات خارجی که در عمده کارخانجات ما استفاده می‌شود یا وجود ندارد یا با سختی فراوان قابل دستیابی است. متأسفانه شاخص‌های خاص برای تعیین ارزشهای جایگزینی دارایی‌ها در ایران تهیه نمی‌شود، و این مشکل یکی از عوامل عدم استفاده از حسابداری تورمی در ایران است.

در این تحقیق کوشش می‌شود با در نظر گرفتن یک فرضیه مراتب فوق بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. این فرضیه بیان می‌دارد که ناهماهنگی و غیر قابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

این تحقیق فرضیه‌های زیر را شامل می‌شود:

- الف - عدم وجود قوانین و مقرراتی مصوب در قالب استانداردی با عنوان حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.
- ب - گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سایر قوانین مرتبط، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.
- ج - عدم وجود الزام و اجبار توسط سازمانها و ارگانهای مسئول و یا دولت، در خصوص تهیه‌ی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی (در بردارنده تأثیرات تورم) از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.
- د - ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب اجرای حسابداری تورمی، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.
- ه - عدم باور مدیران از منافع اجرای حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.
- و - افزایش مالیات پرداختنی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.
- ز - ناهماهنگی و غیر قابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

۴- روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر نوع، همبستگی است. مطالعه‌ی حاضر یک تحقیق توصیفی می‌باشد که با هدفی بنیادی به منظور شناسائی و بررسی دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران از طریق سنجش ارتباط میان متغیرهای مربوطه، انجام شده و استفاده از پرسشنامه داده‌های مورد نیاز را در اختیار محققین قرار داده است. فرضیات این تحقیق با استفاده از آزمون t استیودنت و با بهره‌گیری از داده‌های استخراج شده از تعداد ۱۲۸ پرسشنامه واصله از جامعه‌ی آماری متشکل از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت مالی و حسابداری، مؤسسات حسابرسی مستقل و مؤسسات دولتی مورد آزمون قرار گرفته است. از آنجا که جمع‌آوری اطلاعات از کلیه افراد جامعه‌ی آماری عملاً غیر ممکن بود (حتی اگر امکان‌پذیر هم باشد، مستلزم صرف وقت و هزینه‌ی بسیار است)، در نتیجه نمونه‌ای از جامعه‌ی آماری انتخاب شد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، به صورت تصادفی ساده یا نامحدود می‌باشد. به منظور بررسی روایی ابزار، از روایی محتوایی استفاده شده است. پرسشنامه‌ی مورد استفاده در تحقیق حاضر با مطالعه‌ی منابع مربوط، متون تخصصی، مقالات، نشریه‌ها، سایتهای اینترنتی و پایان‌نامه‌ها و همچنین برخی از مفروضات خود محققین، تهیه و طراحی شده است و به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، پس از چند نوبت جرح و تعدیل توسط کارشناسان، در نهایت بین اعضاء جامعه‌ی آماری توزیع گردید. همچنین برای تعیین پایایی، با استفاده از نرم افزار (SPSS) اقدام به محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ شده است. نحوه‌ی محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ به شرح ذیل می‌باشد:

$$a = \frac{k}{k-1} = \left(\frac{1 - \sum si^2}{s_{sum}^2} \right) = .902$$

si^2 : واریانس سؤال نام

s_{sum}^2 : واریانس مجموع سؤالات

k : تعداد سؤالات

عدد بدست آمده نشان می‌دهد که پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است. تک تک سؤالات با ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و سؤال دارای اشکال مشاهده نگردید و اعتبار سؤالات مورد تأیید قرار گرفت. لازم به توضیح است که برای اطمینان از ضریب پایایی در فاصله‌ی زمانی ۱۵ روزه پرسشنامه در اختیار افراد قرار گرفت.

۵- نتایج پژوهش

آزمون فرضیات مذکور با استفاده از داده‌های استخراج شده از ۱۲۸ پرسشنامه واصله از جامعه‌ی آماری انجام پذیرفت. سپس آزمون‌های آماری مناسب با نوع نمونه روی آنها انجام گردید. فرضیه‌ها با استفاده از توزیع t استیودنت در سطح معنی داری ۵٪ آزمون گردیدند و به منظور توصیف نمودار وضعیت نمونه از نمودارهای جعبه‌ای و هیستوگرام استفاده شده است.

۱-۵) فرضیه اول: عدم وجود قوانین و مقرراتی مصوب در قالب استاندارد با عنوان حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

این فرضیه با استفاده از ۷ سؤال اول پرسشنامه مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و در سؤال ۵ کمتر از ۲۵ درصد افراد به گزینه زیاد و خیلی زیاد پاسخ داده‌اند.

جدول (۱) جدول آمار توصیفی سؤال‌های فرضیه اول

سؤال	چارک اول (صدک ۲۵ام)	میانه (صدک ۵۰ام)	میانگین	چارک سوم (صدک ۷۵ام)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سؤال ۱	3.00	4.00	3.74	5.00	1.19	2.00
سؤال ۲	3.00	4.00	3.66	4.00	1.07	1.00
سؤال ۳	3.00	4.00	3.60	4.00	1.06	1.00
سؤال ۴	3.00	4.00	3.81	5.00	1.10	2.00
سؤال ۵	2.00	3.50	3.15	4.00	1.32	2.00
سؤال ۶	2.00	3.00	3.02	4.00	1.19	2.00
سؤال ۷	3.50	4.00	4.02	5.00	0.88	1.50

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f1_i = \frac{\sum_{i=1}^n X_{1i} - (1 * \gamma)}{(5 * \gamma) - (1 * \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f1_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را

بیشتر تأیید می‌کند.

X_{1i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی i ام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه اول پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه اول که برابر ۷ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.

آمار توصیفی فرضیه اول که در جدول زیر درج گردیده است، که شاخص‌های مرکزی را نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۶۴ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول ۲) آمار توصیفی فرضیه اول

شاخص‌های پراکندگی		شاخص‌های مرکزی	
0.15	انحراف معیار	0.64	میانگین
0.23	دامنه چارکی	0.64	میانه
0.71	دامنه	0.64	مد

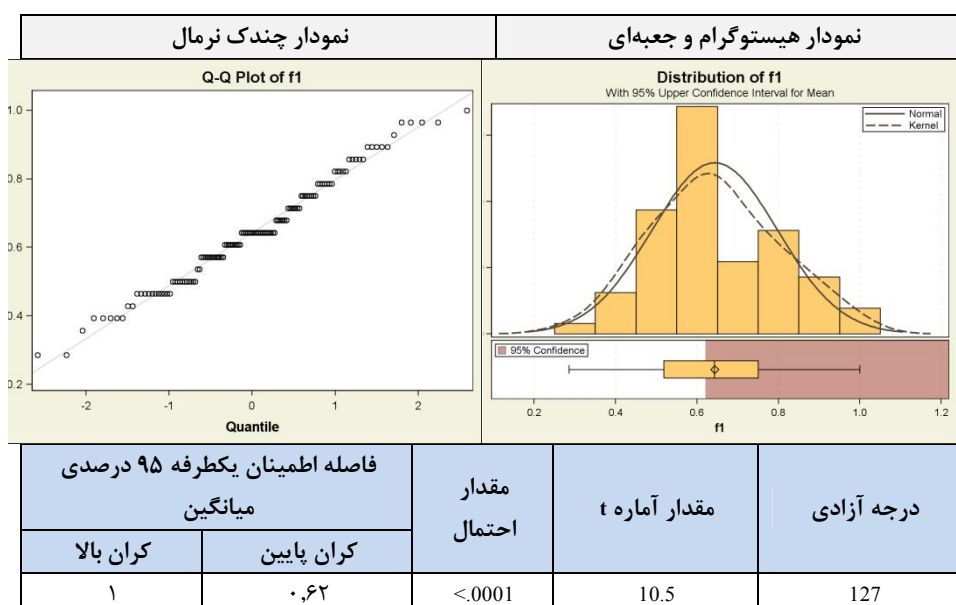
هدف اصلی این زیر بخش بررسی تأثیر عدم وجود قوانین و مقرراتی مصوب در قالب استاندارد با عنوان حسابداری تورمی بر اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران می‌باشد؛ که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه اول کوچکتر مساوی با ۰/۵ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول ۳) جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه اول

آزمون فرضیه معناداری فرضیه اول	
$\begin{cases} H_0: \bar{f}_1 \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f}_1 > 0.5 \end{cases}$	فرضیه صفر: کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه اول از ۰/۵ یعنی بی معنا بودن فرضیه

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از ۰/۵ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت عدم وجود قوانین و مقرراتی مصوب در قالب استاندارد

با عنوان حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه اول بین ۰/۶۲ و یک می‌باشد.



نمودار (۱) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه اول

۲-۵) فرضیه دوم: گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سایر قوانین مرتبط، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. این فرضیه با استفاده از ۵ سؤال مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و به طور متوسط به گزینه ۴ یعنی زیاد پاسخ داده‌اند.

جدول ۴) جدول آمار توصیفی سؤال‌های فرضیه دوم

سوال	چارک اول (صدک ۲۵ام)	میانه (صدک ۵۰ام)	میانگین	چارک سوم (صدک ۷۵ام)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سوال ۱	2.00	3.00	3.11	4.00	1.22	2.00
سوال ۲	3.00	4.00	3.91	5.00	1.01	2.00
سوال ۳	2.50	4.00	3.51	4.00	1.05	1.50
سوال ۴	3.00	4.00	3.73	5.00	1.05	2.00
سوال ۵	3.00	4.00	3.94	5.00	1.03	2.00

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f2_i = \frac{\sum_i^n X_{2i} - (1 * \gamma)}{(5 * \gamma) - (1 * \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f2_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند.

X_{2i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی i ام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه دوم پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه دوم که برابر ۵ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.

آمار توصیفی فرضیه دوم که در جدول زیر درج گردیده است که شاخص‌های مرکزی نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۶۵ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول ۵) آمار توصیفی فرضیه دوم

شاخص‌های مرکزی		شاخص‌های پراکندگی	
میانگین	0.66	انحراف معیار	0.16
میانه	0.65	دامنه چارکی	0.25
مد	0.65	دامنه	0.70

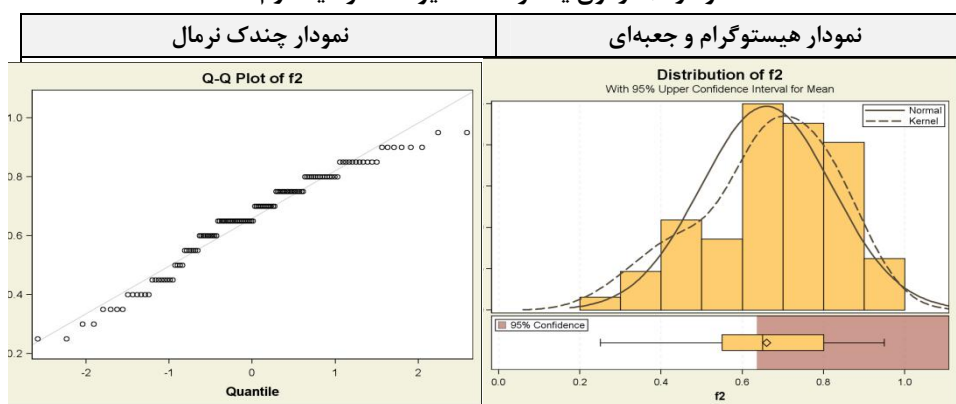
هدف اصلی این زیر بخش بررسی تأثیر گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سایر قوانین مرتبط، بر اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران

است. که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه دوم کوچکتر مساوی با $0/5$ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول ۶) جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه دوم

آزمون فرضیه معناداری فرضیه دوم	
$\begin{cases} H_0: \bar{f}_2 \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f}_2 > 0.5 \end{cases}$	فرضیه صفر: کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه دوم از $0/5$ یعنی بی معنا بودن فرضیه

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از $0/5$ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سایر قوانین مرتبط، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه 95 درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه دوم بین $0/64$ و یک می‌باشد.

نمودار ۲) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه دوم

فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصدی		مقدار احتمال	مقدار آماره t	درجه آزادی
میانگین				
کران بالا	کران پایین			
۱	۰,۶۴	<.0001	11.15	127

۳-۵) فرضیه سوم: عدم وجود الزام و اجبار توسط سازمانها و ارگانهای مسئول و یا دولت، در خصوص تهیهی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

این فرضیه با استفاده از ۴ سؤال مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و به طور متوسط به گزینه ۴ یعنی زیاد پاسخ داده‌اند. و دامنه چارکی و انحراف معیار مقدار کوچکی دارند که نشان از نزدیک بودن نظرات پاسخگویان می‌باشد.

جدول ۷) جدول آمار توصیفی سؤال‌های فرضیه سوم

سوال	چارک اول (صدک ۲۵م)	میانه (صدک ۵۰م)	میانگین	چارک سوم (صدک ۷۵م)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سوال ۱	3.00	4.00	3.61	4.00	1.10	1.00
سوال ۲	4.00	4.00	4.11	5.00	0.92	1.00
سوال ۳	3.00	4.00	3.69	4.50	1.10	1.50
سوال ۴	3.00	4.00	3.87	5.00	0.95	2.00

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f3_i = \frac{\sum_i^n X_{3i} - (1 * \gamma)}{(5 * \gamma) - (1 * \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f3_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند.

X_{3i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی نام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه سوم پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه سوم که برابر ۴ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.

آمار توصیفی فرضیه سوم که در جدول زیر درج گردیده است که شاخص‌های مرکزی نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۷۵ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول ۸) آمار توصیفی فرضیه سوم

شاخص‌های مرکزی		شاخص‌های پراکندگی	
میانگین	0.70	انحراف معیار	0.15
میانه	0.75	دامنه چارکی	0.19
مد	0.75	دامنه	0.75

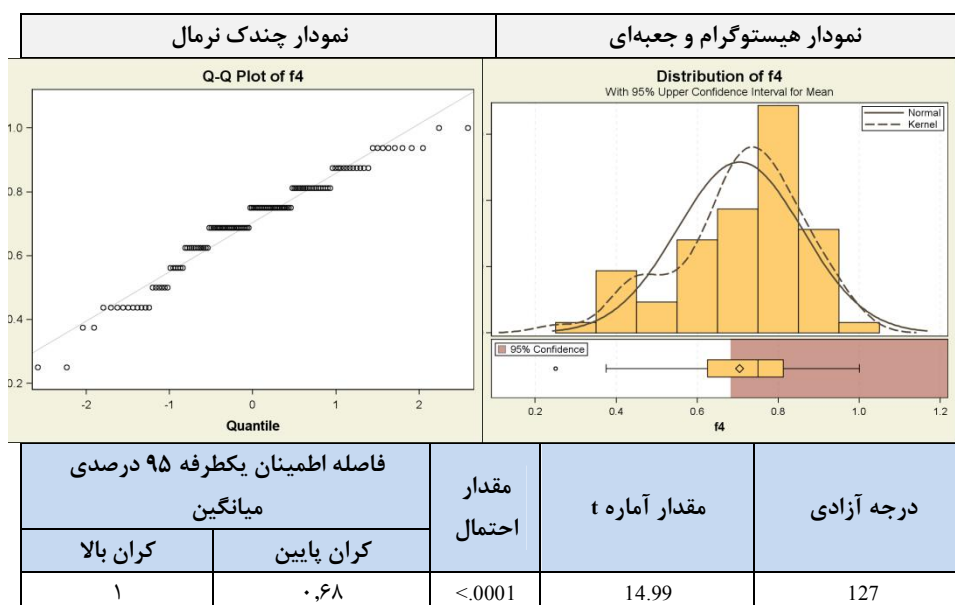
هدف اصلی این زیر بخش بررسی تأثیر عدم وجود الزام و اجبار توسط سازمانها و ارگانهای مسئول و دولت، در خصوص تهیه‌ی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی بر اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران است. که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه سوم کوچکتر مساوی با ۰/۵ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول ۹) جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه سوم

آزمون فرضیه معناداری فرضیه سوم	
فرضیه صفر:	کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه سوم از ۰/۵ یعنی بی معنا بودن فرضیه
$\begin{cases} H_0: \bar{f}_3 \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f}_3 > 0.5 \end{cases}$	

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از ۰/۵ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت عدم وجود الزام و اجبار توسط سازمانها و ارگانهای مسئول و یا دولت، در خصوص تهیه‌ی گزارشات تکمیلی صورتهای مالی از دلایل عدم اعمال آثار تورم

بر گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه سوم بین ۰/۶۸ و یک می‌باشد.



نمودار (۳) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه سوم

۴-۵) فرضیه چهارم: ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب اجرای حسابداری تورمی، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

این فرضیه با استفاده از ۶ سؤال مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها کمتر از ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و به طور متوسط به گزینه ۴ یعنی زیاد پاسخ داده‌اند. و دامنه چارکی برابر یک می‌باشد که نشان می‌دهد نظر اکثر پاسخگویان مشابه یکدیگر می‌باشند.

جدول (۱۰) جدول آمار توصیفی سوال‌های فرضیه چهارم

سوال	چارک اول (صدک ۱۲.۵م)	میانه (صدک ۵۰م)	میانگین	چارک سوم (صدک ۸۷.۵م)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سوال ۱	3.00	4.00	3.77	4.00	0.95	1.00
سوال ۲	3.00	4.00	3.66	4.00	0.92	1.00
سوال ۳	3.00	3.50	3.52	4.00	1.00	1.00
سوال ۴	3.00	4.00	3.74	4.50	1.02	1.50
سوال ۵	3.00	4.00	3.72	4.00	0.99	1.00
سوال ۶	3.00	4.00	3.55	4.00	1.01	1.00

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f4_i = \frac{\sum_i^n X_{4i} - (1 * \gamma)}{(5 * \gamma) - (1 * \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f4_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند.

X_{4i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی i ام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه چهارم پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه چهارم که برابر ۶ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.

آمار توصیفی فرضیه چهارم که در جدول زیر درج گردیده است که شاخص‌های مرکزی نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۶۷ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول (۱۱) آمار توصیفی فرضیه چهارم

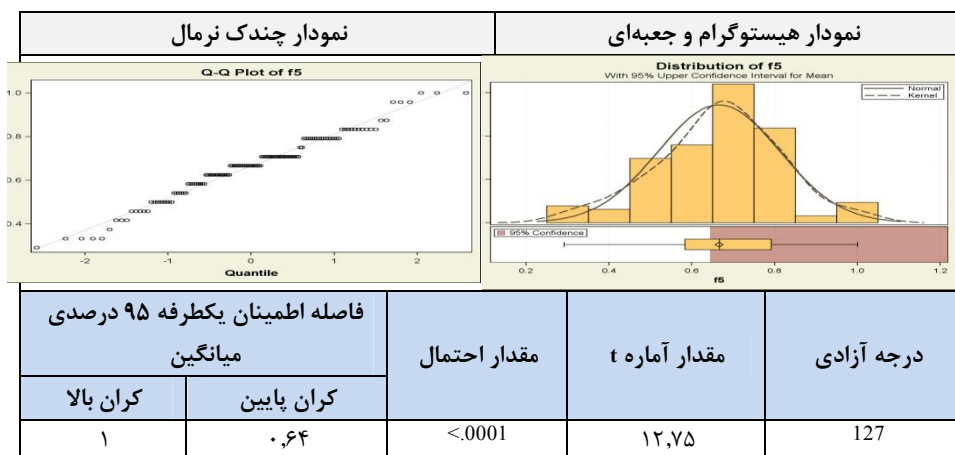
شاخص‌های مرکزی		شاخص‌های پراکندگی	
میانگین	0.67	انحراف معیار	0.15
میانه	0.67	دامنه چارکی	0.21
مد	0.71	دامنه	0.71

هدف اصلی این زیر بخش بررسی تأثیر ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب اجرای حسابداری تورمی، بر اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه چهارم کوچکتر مساوی با ۰/۵ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول (۱۲) جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه چهارم

آزمون فرضیه معناداری فرضیه چهارم	
$\begin{cases} H_0: \bar{f}_4 \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f}_4 > 0.5 \end{cases}$	فرضیه صفر: کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه چهارم از ۰/۵ یعنی بی معنا بودن فرضیه

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از ۰/۵ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب اجرای حسابداری تورمی، از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه چهارم بین ۰/۶۴ و یک می‌باشد.



نمودار (۴) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه چهارم

۵-۵) فرضیه پنجم: عدم باور مدیران از منافع ناشی از پیاده سازی حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

این فرضیه با استفاده از ۴ سؤال مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و به طور متوسط به گزینه ۴ یعنی زیاد پاسخ داده‌اند. قابل ذکر است شاخص‌های پراکندگی اعداد کوچکی می‌باشد که نشان می‌دهد نظر اکثر پاسخگویان نزدیک به یکدیگر می‌باشد. قابل ذکر است سؤال ۴ به صورت معکوس پرسیده شده است که اکثر پاسخگویان گزینه‌های کم و خیلی کم که به ترتیب امتیازهای ۴ و ۵ دریافت می‌کرده است را پاسخ داده‌اند.

جدول (۱۳) جدول آمار توصیفی سؤال‌های فرضیه پنجم

سؤال	چارک اول (صدک ۲۵ام)	میانه (صدک ۵۰ام)	میانگین	چارک سوم (صدک ۷۵ام)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سؤال ۱	3.00	4.00	3.48	4.00	0.99	1.00
سؤال ۲	3.00	4.00	3.84	4.00	0.87	1.00
سؤال ۳	3.00	4.00	3.60	4.00	0.92	1.00
سؤال ۴	2.00	2.00	2.47	3.00	1.11	1.00

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f5_i = \frac{\sum_i^n X_{5i} - (1 * \gamma)}{(5 * \gamma) - (1 * \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f5_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند.

X_{5i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی i ام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه پنجم پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه پنجم که برابر ۴ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.

آمار توصیفی فرضیه پنجم که در جدول زیر درج گردیده است که شاخص‌های مرکزی نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۵۹ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول (۱۴) آمار توصیفی فرضیه پنجم

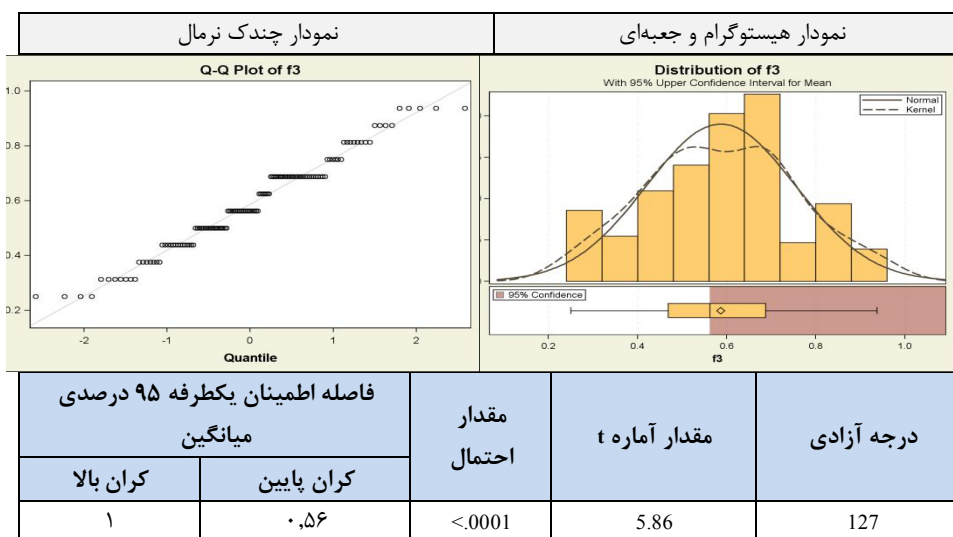
شاخص‌های پراکندگی		شاخص‌های مرکزی	
0.17	انحراف معیار	0.59	میانگین
0.22	دامنه چارکی	0.56	میانه
0.69	دامنه	0.69	مد

هدف اصلی این زیربخش بررسی تأثیر عدم باور مدیران بر اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه پنجم کوچکتر مساوی با ۰/۵ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول (۱۵) جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه پنجم

آزمون فرضیه معناداری فرضیه پنجم	
$\begin{cases} H_0: \bar{f5} \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f5} > 0.5 \end{cases}$	فرضیه صفر: کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه پنجم از ۰/۵ یعنی بی معنا بودن فرضیه

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از ۵٪ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت عدم باور مدیران از منافع ناشی از پیاده سازی حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه پنجم بین ۰/۵۶ و یک می‌باشد.

نمودار (۵) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه پنجم

۵-۶) فرضیه ششم: بدهی مالیاتی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

این فرضیه با استفاده از ۵ سوال مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و به طور متوسط به گزینه ۴ یعنی زیاد پاسخ داده‌اند.

جدول ۱۶) جدول آمار توصیفی سؤال‌های فرضیه ششم

سوال	چارک اول (صدک ۲۵ام)	میانه (صدک ۵۰ام)	میانگین	چارک سوم (صدک ۷۵ام)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سوال ۱	4.00	4.00	4.05	5.00	1.06	1.00
سوال ۲	3.00	4.00	3.73	4.00	1.04	1.00
سوال ۳	2.00	3.00	3.17	4.00	0.93	2.00
سوال ۴	3.00	4.00	3.47	4.00	1.00	1.00
سوال ۵	3.00	3.00	3.20	4.00	0.86	1.00

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f6_i = \frac{\sum_i^n X_{6i} - (1 \cdot \gamma)}{(5 \cdot \gamma) - (1 \cdot \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f6_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند.

X_{6i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی i ام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه ششم پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه ششم که برابر ۵ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.

آمار توصیفی فرضیه ششم که در جدول زیر درج گردیده است که شاخص‌های مرکزی نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۶۳ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول ۱۷) آمار توصیفی فرضیه ششم

شاخص‌های مرکزی		شاخص‌های پراکندگی	
میانگین	0.63	انحراف معیار	0.15
میانه	0.60	دامنه چارکی	0.20
مد	0.55	دامنه	0.70

این زیر بخش تأثیر افزایش مالیات پرداختنی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها را بر اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران بررسی می‌کند. که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد

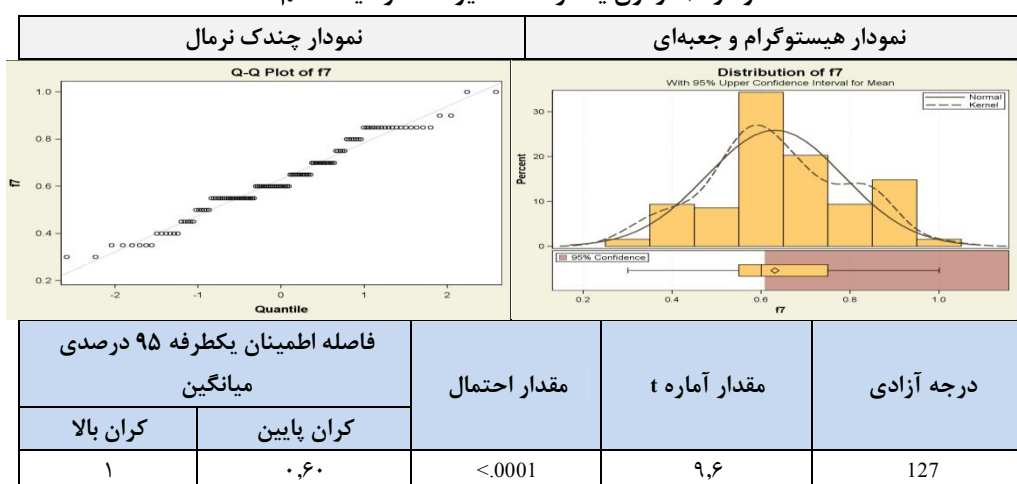
بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه ششم کوچکتر مساوی با ۰/۵ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول ۱۸) جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه ششم

آزمون فرضیه معناداری فرضیه ششم	
$\begin{cases} H_0: \bar{f}_6 \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f}_6 > 0.5 \end{cases}$	فرضیه صفر: کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه ششم از ۰/۵ یعنی بی معنا بودن فرضیه

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از ۰/۵ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت افزایش مالیات پرداختنی ناشی از تجدید ارزیابی‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه ششم بین ۰/۶ و یک می‌باشد.

نمودار ۶) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه ششم



۷-۵) فرضیه هفتم: ناهماهنگی و غیر قابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است.

این فرضیه با استفاده از ۷ سؤال مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است که نتایج و آماره‌های توصیفی پاسخ افراد مورد مطالعه در جدول زیر درج گردیده است. همانطور که از چارک اول نمایان است در اکثر سؤالات تنها ۲۵ درصد افراد به گزینه‌های متوسط، کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند و به طور متوسط به گزینه ۴ یعنی زیاد پاسخ داده‌اند. چون سؤال‌های ۴ و ۵ به صورت منفی پرسیده شده بود پاسخ‌های سؤال‌های ۴ و ۵ برعکس پاسخ‌های سؤالات دیگر می‌باشد و اکثر پاسخگویان به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند که به ترتیب امتیازهای ۴ و ۵ دریافت کرده‌اند.

جدول ۱۹) جدول آمار توصیفی سؤال‌های فرضیه هفتم

سؤال	چارک اول (صدک ۲۵م)	میانه (صدک ۵۰م)	میانگین	چارک سوم (صدک ۷۵م)	انحراف معیار	دامنه چارکی
سؤال ۱	3.00	4.00	3.68	4.00	1.06	1.00
سؤال ۲	3.00	4.00	3.51	4.00	0.94	1.00
سؤال ۳	3.00	4.00	3.68	4.00	0.98	1.00
سؤال ۴	3.00	3.00	3.30	4.00	0.92	1.00
سؤال ۵	2.00	3.00	3.09	4.00	1.09	2.00
سؤال ۶	3.00	4.00	3.61	4.00	0.97	1.00
سؤال ۷	3.00	4.00	3.84	4.00	0.91	1.00

به منظور سنجش این فرضیه شاخصی در بازه صفر تا یک از مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگویان به مقیاس‌های طیف لیکرت پرسشنامه ساخته شده است که به صورت زیر می‌باشد.

$$f7_i = \frac{\sum_i^n X_{7i} - (1 * \gamma)}{(5 * \gamma) - (1 * \gamma)}$$

که در این فرمول داریم:

$f7_i$: امتیاز پاسخگوی شماره i ام که بین صفر تا یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند.

X_{7i} : مجموع نمرات پاسخ‌های پاسخگوی i ام به مقیاس‌های طیف لیکرت سؤالات فرضیه هفتم پرسشنامه می‌باشد.

γ : تعداد سؤالات فرضیه هفتم که برابر ۷ می‌باشد.

n : برابر حجم نمونه (تعداد پاسخگویان) می‌باشد که برابر با ۱۲۸ است.
آمار توصیفی فرضیه هفتم که در جدول زیر درج گردیده است که شاخص‌های مرکزی نشان می‌دهد که متوسط نمره فرضیه برابر ۰/۶۵ است که بیشتر از میزان حد وسط یعنی ۰/۵ می‌باشد.

جدول ۲۰ آمار توصیفی فرضیه هفتم

شاخص‌های مرکزی		شاخص‌های پراکندگی	
میانگین	0.63	انحراف معیا	0.16
میانه	0.64	دامنه چارکی	0.18
مد	0.68	دامنه	0.86

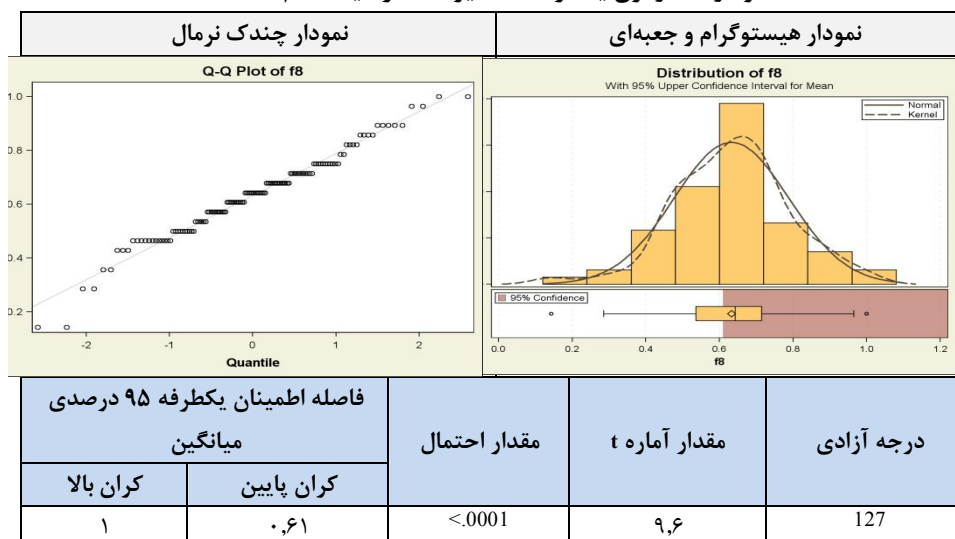
هدف اصلی این زیر بخش بررسی تأثیر ناهماهنگی و غیر قابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها بر اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. که برای این منظور آزمون فرضیه زیر ساخته و مورد بررسی قرار گرفته است، فرضیه صفر حاکی از آن است که اگر میانگین امتیاز نمرات پاسخگویان فرضیه هفتم کوچکتر مساوی با ۰/۵ (حد وسط) باشد ادعای محقق در این زیر بخش از لحاظ آماری و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲۱ جدول آزمون فرضیه معناداری فرضیه هفتم

آزمون فرضیه معناداری فرضیه هفتم	
$\begin{cases} H_0: \bar{f7} \leq 0.5 \\ H_1: \bar{f7} > 0.5 \end{cases}$	فرضیه صفر: کوچکتر مساوی میانگین امتیازات نمرات پاسخگویان فرضیه هفتم از ۰/۵ یعنی بی معنا بودن فرضیه

نتایج آزمون فرضیه که با استفاده از آزمون t استیودنت انجام گرفته است نشان می‌دهد مقدار احتمال این آزمون بزرگتر از ۰/۵ (سطح آزمون) می‌باشد و فرضیه صفر را با توجه به پاسخهای پاسخگویان نمی‌توان پذیرفت و می‌توان گفت ناهماهنگی و غیر قابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران است. در نمودار چندک نرمال با توجه به اینکه چندک‌های نرمال بر روی یک خط راست قرار دارند می‌توان گفت توزیع داده‌های این فرضیه نرمال می‌باشد و برای اجرای آزمون مشکلی وجود ندارد و نمودار جعبه‌ای و هیستوگرام و فاصله اطمینان یکطرفه ۹۵ درصد میانگین نشان می‌دهد که بازه نمرات فرضیه هفتم بین ۰/۶۱ و یک می‌باشد.

نمودار (۷) آزمون یکطرفه t استیودنت فرضیه هفتم



۶- نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش تلاش شد با در نظر گرفتن فرضیاتی، علاوه بر کشف و شناسائی برخی دلایل عدم اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران، دلایل و مشکلات مذکور هرچه بیشتر بررسی شود، تا شاید این تحقیق کوششی باشد تا بتوان بدینوسیله کاستیهای موجود در گزارشات مالی در ایران را در شرایط کنونی که ناشی از عدم اعمال تأثیرات تورم می‌باشد نمایان ساخت، تا این نیز همانند سایر تحقیقات انجام شده تا کنون در این زمینه، گامی باشد به سوی اجرای حسابداری تورمی در کشورمان. علی‌رغم تحقیقات انجام شده تا کنون، در این تحقیق کوشیده شده است، به دلیل تغییرپذیری و عدم ثبات، برخی از فرضیات محققان قبلی بازآزموده شود تا تغییرات حاصله پدیدار شود. در نتیجه آزمون مجدد تعدادی از فرضیات محققان قبلی در این پژوهش (با توجه به تلاش محققین و همچنین اهمیت موضوع) دلیل بر تکرار پژوهش‌های پیشین نمی‌باشد. به منظور دستیابی به یک نتیجه‌گیری مطلوب، لازم است یافته‌های به دست آمده از این پژوهش با نظرات علمی و تئوریک موجود مقایسه گردد.

همانگونه که پیشتر اشاره شد، فرضیه اول بیان نمود که «عدم وجود قوانین و مقرراتی مصوب در قالب استانداردی با عنوان حسابداری تورمی از دلایل عدم اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران است.» وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه مبنای اصلی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه و از مفروضات بی‌بدیل توسعه و رشد اقتصادی در بخش خصوصی و دولتی است. در حال حاضر صورتهای

مالی اصلی‌ترین منبع اطلاعات مالی به شمار می‌روند. بنابراین باید از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. این کیفیت مطلوب در سایه‌ی ضوابط معتبر یعنی استانداردهای حسابداری تأمین می‌شود. بنابراین تدوین استاندارد حسابداری تورمی به منظور ایجاد مبنایی برای تهیه‌ی گزارشهای مالی در شرایط تورمی جهت تضمین صحت و سلامت اطلاعات مالی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج تحقیق نشان از تأیید فرضیه‌ی اول داشت و می‌توان گفت یکی از دلایل عدم اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران عدم وجود استاندارد حسابداری تورمی است. این نتایج با یافته‌های تحقیقات گذشته مشابه می‌باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده توسط سلامی (۱۳۷۴) برای رسیدن به هدف اساسی صورتهای مالی (مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات مندرج در آن) و حفظ این ویژگی - ها، در هر جامعه باید دستور عمل داشت و این دستور عمل باید در آن جامعه و در شرایط حال و آینده تجارت جهانی در کل جامعه بشری در اصول یکسان باشند. بنابراین پیش از هر چیز نیاز به تدوین استاندارد حسابداری در این زمینه داریم.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که، گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها از دلایل عدم اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که الف: فرار مالیاتی، ب: ناهماهنگی بین واحدهای اقتصادی و قانونگذار جهت ارائه‌ی دقیق مشکلات به منظور دستیابی به راهکارهای مناسب، ج: عدم حمایت دولت از بخش اقتصادی با تجدید نظر در قوانین و مقررات مالیاتی، د: فزونی مخارج بر منافع در اجرای تجدید ارزیابی، ه: عدم ثبات در قوانین و مقررات مالیاتی کشور و در نتیجه فقدان قوانین و مقررات مالیاتی قابل اتکا، از مهمترین دلایل گریز واحدهای اقتصادی از قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌باشند.

در کشورهای توسعه یافته تلاشهای زیادی در جهت تدوین و توسعه‌ی استانداردهای حسابداری صورت پذیرفته است تا شرکتها قادر باشند بدون توجه به فشارها و موانع قانونی، گزارشهای مالی خود را به منظور بهره‌مندی استفاده‌کنندگان منتشر نمایند. بدین منظور برخی از این ممالک مبنای نقدی را برگزیده‌اند (هندریکسون و بردا، ۱۹۹۲). با تعقیب چنین سیاستی شرکتها راغب می‌شوند با رعایت اصول و موازین حسابداری، به گزارشگری مالی بپردازند و همچنین استفاده‌کنندگان درمی‌یابند که اطلاعات و اقلام گزارشها مربوط بوده و به نحو مطلوب عملکرد و وضعیت شرکت را نشان داده و برای تصمیم‌گیری مناسب است. علیرغم ضعفها و انتقادهای زیاد نسبت به روش مورد نظر به دلیل اینکه این روش باعث اجرای استانداردهای حسابداری بدون مزاحمت قانونی شده و از طرف دیگر فرار مالیاتی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد، بیشتر مقامات مالیاتی در این کشورها خواهان اجرای این روش هستند. در ایران مبنای تعهدی اساس تهیه‌ی گزارشهای مالی توسط حسابداران است. در پژوهش حاضر پس از

تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها مشخص شد، استفاده از مبنای نقدی و به تبع آن بهره‌گیری از روش مالیات معوق می‌تواند نقش مؤثری در جهت تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در ایران داشته باشد. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیقات قبلی یکسان می‌باشد. از جمله این تحقیقات می‌توان به تحقیق طلوعی (۱۳۸۲) اشاره کرد. که او نتیجه‌گیری می‌کند که با انتخاب مبنای تعهدی امکان عدم ارائه صورت‌های مالی واقعی و منصفانه افزایش و مطلوبیت صورتهای مالی کاهش می‌یابد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد موارد سودمندی استفاده از مالیات معوق شامل واقعی شدن سود شرکت‌ها، نمایش سرمایه‌گذاری‌های جاری به ارزش بازار و استقبال از تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌باشد.

تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه حاکی از تأیید فرضیه سوم است. به عبارتی می‌توان گفت عدم وجود الزام و اجبار توسط ارگانهای مسئول در خصوص تهیه گزارشات تکمیلی صورتهای مالی در بردارنده آثار تورم از دلایل عدم اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران است. سیر تکاملی تدوین و توسعه استانداردهای حسابداری تورمی در نقاط مختلف جهان، بیانگر چگونگی بکارگیری و اجرای این روش حسابداری در صحنه‌های اقتصادی و مالی است. در برخی کشورها اجرای حسابداری تغییر قیمت‌ها با الزام و اجبار از سوی یکسری ارگانهای خاص امکانپذیر بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در ایران نیز عدم الزام و اجبار در تهیه گزارشات تکمیلی صورتهای مالی، خود از عوامل مختلفی از جمله بیگانگی ارگانهای مذکور نسبت به مبحث حسابداری تورمی، فقدان قوانین و مقررات قابل اتکا و یا استاندارد در این زمینه و در نهایت عدم اطمینان از اجرای موفقیت آمیز حسابداری تورمی سرچشمه می‌گیرد. با استفاده از نتایج این تحقیق می‌توان نتایج تحقیقات انجام شده توسط دیلمی‌پور (۱۳۹۰) را نیز تأیید کرد.

پس از تحلیل اطلاعات حاصل از این تحقیق مشخص شد، فرضیه چهارم تأیید و می‌توان گفت ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب حسابداری تورمی، از موانع بکارگیری حسابداری تورمی در گزارشهای مالی در ایران است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که عدم بروزآوری دانش مدیریت در شرایط جدید اقتصادی در خصوص مبحث مورد نظر که ناشی از بی‌توجهی در محافل آموزشی است، منتج به ناتوانی مدیران در اعمال آثار تورم بر ارقام مندرج در گزارشهای مالی می‌شود و همین عوامل کافی است تا نتیجه آن از طریق ناتوانی مدیران در تشخیص منافع و یا معایب اجرای حسابداری تورمی نمایان شود. تحقیقات انجام شده توسط دستگیر و امیدعلی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد، جدی نگرفتن مباحث نظری حسابداری تورمی در دروس دانشگاهی رشته‌ی حسابداری از دلایل ناکام ماندن حسابداری تورمی در ایران است. همچنین تحقیق تقریباً مشابهی در این زمینه توسط رؤیایی (۱۳۷۲) انجام گرفته که نتایجی شبیه به تحقیق حاضر دارد.

نتایج نشان می‌دهد که عدم باور مدیران از منافع ناشی از پیاده‌سازی حسابداری تورمی از دلایل

عدم اعمال آثار تورم در گزارشگری مالی در ایران است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عدم باور مدیران از بیگانگی آنان نسبت به مفاهیم حسابداری تورمی سرچشمه می‌گیرد. همچنین می‌توان گفت که عدم اطمینان از اجرای موفقیت‌آمیز روشهای مربوط به حسابداری تورمی و عدم آشنائی و یا بیگانگی و نبود توجه کافی از سوی استفاده‌کنندگان گزارشات مالی نسبت به حسابداری تورمی منجر به عدم باور مدیران از منافع ناشی از پیاده‌سازی حسابداری تورمی شده است.

آزمون فرضیه ششم تأیید نمود که افزایش مالیات پرداختنی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها یکی دیگر از موانع بکارگیری حسابداری تورمی در گزارشهای مالی در ایران است. در اجرای حسابداری تغییر قیمت‌ها، اقلام غیر پولی برخلاف اقلام پولی در ترازنامه‌های مؤسسات تجاری تهیه شده بر مبنای بهای تاریخی/ ریال ثابت، به دلیل اینکه تعداد ریالهای تشکیل‌دهنده آنها با تغییرات در سطح عمومی قیمت‌ها تغییر می‌یابند، باید تعدیل شوند. این امر از طریق تجدید ارزشیابی اقلام فوق‌الذکر امکان‌پذیر است. در کشور ما در صورتیکه مؤسسات تجاری اقدام به تجدید ارزیابی کنند، مزاد تحقق نیافته‌ی ناشی از تجدید ارزیابی‌ها، درآمد محسوب شده و با اضافه کردن این مبلغ به درآمد مشمول مالیات، بدهی‌های مالیاتی افزایش یافته و مالیات هنگفتی برای شرکت‌ها تشخیص داده می‌شود. این نیز یکی دیگر از موانع بکارگیری حسابداری تورمی در گزارشهای مالی در ایران است. تحقیقات مشابهی در این زمینه توسط سلامی (۱۳۷۴) و نمازیان و همکاران (۱۳۸۷) صورت پذیرفته است که نتایج یکسانی با نتایج حاصل از این تحقیق دارد.

فرضیه‌ی هفتم بیان نمود که ناهماهنگی و غیرقابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها از موانع بکارگیری حسابداری تورمی در گزارشهای مالی در ایران است، که با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه، این فرضیه نیز تأیید گردید. تورم با تغییرات مداوم در سطح قیمت‌ها همراه است. در نتیجه به منظور اندازه‌گیری تغییر سطح قیمت‌ها در یک دوره‌ی زمانی معین لازم است شاخص قیمت محاسبه شود. در شرایط تورمی به منظور انعکاس آثار تغییر قیمت‌ها بر ارقام و عناصر صورتهای مالی، شاخصهای قیمت ابزاری مناسب جهت دستیابی به این هدف می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ناتوانی مسئولین و مدیران در شناخت روشها و شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها، غیر قابل اجرا بودن روشها و تکنیکهای مختلف و فقدان توافق کلی در مورد روشهای عملی و نظری مربوط به شاخصهای مذکور منجر به ناهماهنگی و غیر قابل اعتماد بودن شاخصهای تغییر سطح قیمت‌ها و در نهایت عدم اعمال آثار تورم بر گزارشهای مالی در ایران شده است. نتایج این تحقیق با تحقیقات انجام شده تاکنون مشابه می‌باشد. از جمله این تحقیقات می‌توان به تحقیقات انجام شده توسط دیلمی‌پور (۱۳۹۰) و دستگیر و امیدعلی (۱۳۸۳) اشاره کرد.

پژوهش حاضر شواهدی فراهم نمود که پیشنهادات زیر قابل ارائه است:

(۱) از آنجاکه، استانداردهای حسابداری مبنای اصلی اجرای روشهای حسابداری است، لذا تدوین استاندارد حسابداری تورمی اولین و مهمترین گام در جهت انعکاس آثار تورم در گزارشگری مالی است. (۲) تغییر مبنای تهیه گزارشات مالی از تعهدی به نقدی و به تبع آن اجرای روش مالیات معوق و ارائه آموزشهای لازم در این زمینه، می‌تواند گامی بسیار مهم و اساسی در جهت تجدید ارزیابی دارایی‌ها و به دنبال آن اجرای حسابداری تورمی در ایران باشد.

(۳) با توجه به محدودیتهایی که در اثر قوانین مالیاتی در اجرای تجدید ارزیابی دارایی‌ها به وجود آمده است، به نظر می‌رسد وضع و یا اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و نحوه برخورد مالیاتی با رویدادهای مربوطه در بلندمدت به منظور تصریح در مسأله‌ی مطروحه لازم و ضروری است.

(۴) شاید سازمان بورس اوراق بهادار تا زمانی که استاندارد در خصوص حسابداری تورمی توسط سازمان حسابرسی تدوین شود، بتواند مقدمات اجرای حسابداری تورمی را فراهم آورد و شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را ملزم به ارائه گزارشات تکمیلی صورتهای مالی کند تا این نیز گامی دیگر به سوی انعکاس آثار تورم در گزارشهای مالی در ایران باشد.

(۵) بی‌توجهی در محافل آموزشی منجر به فراموشی مبحث حسابداری تورمی شده است. شاید ایجاد فضایی مناسب برای مباحثه‌ها و مناظره‌های حرفه‌ای، تشویق و ترویج حسابداری تورمی از طریق نوشتن مقالات و پژوهشها و اضافه نمودن این مبحث به سرفصل دروس دانشگاهی و آموزش آن به دانشجویان و مدیران در اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران مؤثر باشد.

(۶) با توجه به اهمیت شاخص‌های قیمت در اجرای حسابداری تورمی و عدم توجه کافی به این مهم به نظر می‌رسد توجه و بررسی محققانه در این زمینه لازم و ضروری است. همچنین فراهم آوردن انواع شاخص‌های تغییر سطح قیمت‌ها توسط بانک مرکزی و سایر سازمانهای مرتبط می‌تواند گامی دیگر در جهت اعمال آثار تورم بر گزارشگری مالی در ایران باشد.

فهرست منابع

- * اصغری ج. ۱۳۸۶. مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات صفار: اشراقی.
- * تیموری ح. ۱۳۷۳. حسابداری تغییر قیمت‌ها. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی. ۲۱۵ صفحه. نشریه شماره ۱۰۰.

- * دستگیر م، امیدعلی م. ۱۳۸۳. بررسی موانع استفاده از حسابداری تورمی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۳۵: ص ۴۵-۶۲.
- * دیلمی‌پور م. ۱۳۹۰. تورم، حسابداری تورمی و موانع اجرای آن در ایران. حساب‌رسان ایران.
- * رحمانی ع، حمیدی ا. ۱۳۸۵، مهرماه. مبانی نظری و عملی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت. ماهنامه انجمن حسابداران خبره ایران. شماره ۱۷۶. ص ۵۶-۶۳.
- * رؤیایی ر. ۱۳۷۲. اهمیت موضوع حسابداری تورمی در ایران. مجله حسابدار. شماره پنجم و ششم: ص ۸۳-۶۶.
- * ستایش م. ۱۳۸۰. بررسی تأثیر افشای اطلاعات حسابداری بر مبنای تورم بر روی قیمت سهام. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- * سلامی غ. ۱۳۷۳. تورم، صورتهای مالی را بی‌اعتبار کرده است، راه حل چیست؟. سمینار حسابداری و گزارشگری مالی در شرایط تورمی. تهران، هتل بین‌المللی لاله. ۲۳ و ۲۴ خرداد. مجله حسابدار. شماره اول و دوم. ص ۳۶-۴۴.
- * سلامی غ. ۱۳۷۴. مسائل عملی حسابداری در شرایط تورمی. مجله حسابدار. شماره ۱۱۹: ص ۴۳-۳۸.
- * طلوعی س. ۱۳۸۲. سودمندی استفاده از روش مالیات معوق. نشریه مدیریت، مطالعات مدیریت بهبود. شماره ۳۹ و ۴۰. ص ۲۳۱-۲۴۴.
- * نمازیان ع، خدای‌پور ا، انصاری ع. ۱۳۸۷. ارزیابی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها بر افشای دارایی‌ها و مالیات بر درآمد آنها. کنکاش، حسابداری: ۸۸-۱۰۰.
- * Ilter, C, 2012, Exploring the Effect of Inflation on Financial Statement through Ratio Analysis, International Journal of Business & Social Science, No 13. pp. 154-162.
- * Karapinar, Aydin, 2012, Impact of Inflation Accounting on Key Financial Ratios, Journal of Business Research-Turk. pp. 44-57.
- * Khorrarnadel Masouleh Z & Ansari A & Dorri Sadeh M. 2013. "Value Relevance of Inflation-adjusted Income (EPS) and Equity (BV)". Trends in Social Science. pp. 13-21.
- * Konchitchki, Yaniv, 2011, Inflation and Nominal Financial Reporting: Implications for Performance and Stock Prices, The accounting review, No 3. pp. 1045-1085.
- * Papas, Antonios A, 2012, assessing the Impact of Inflation on business performance under conditions of limited financial disclosure: the case of firms operating in Greece, University of Piraeus, Spoudai, No 1. pp. 25-43.
- * Sweene, H. W. 1973 " Effect of Inflation on German Accounting.", Jof A. Mar. pp. 180-191.
- * Yavarzadeh, M.R & Shamsadini, Hilda, 2012, Impact of Inflation Accounting on Financial Statement and changing prices in sail, International Journal of Information Technology & Computer Science, No 2091-1610

